



داستان: جنون

قلم: پرستو عبدالهیان

خب هانی چرا بلند نمیشی ، هان بهت میگم چرا بلند نمیشی ،
تو دیووونه شدی ژانت بخدا دیووونه شدی ، خفشو، خیلی حرف میزنی چیززیادی ازت نخواستم
فقط دوست دارم اونجور باشی که من بهت میگم، ببین کوروش دوره بیشترنداری یا مثل بچه آدم
کاری که بهت میگم انجام میدی یا اینکه بازهم چاره ای نداری بدبخت تو دام ژانت اسیری،
کوروش بخند ، بخند چقدر نازمیشی عزیزم، برای امروزبازی کردن باهات کافیه میریم سرجای
همیشیگیت! ژانت دیووونه نشو خواهش میکنم اجازه بده توضیح بدم، اوه ، اوه ، من کله ام باد داره
پسریادت ۳ماه پیش توی رستوران اکباتان چی گفتی؟ یادت یا یادت بیارم، اون روزسرمرست وشاد
با اون زنیکه عفریته ات اسمش چی بود هان صحرا، آره صحرا اومدی وزل زدی توچشمام با
تمسخر گفتی آخه کی میاد بایک زن بی سراپایی مثل تو ازدواج کنه آره من بی سراپام چون
عاشق حیووونی چون تو شدم میخوای بدونی بی سراپا چه شکلی میشه ، آره میخوای بدونی الان
نشونت میدم، ژانت دیووونه شدی ،بس کن ، ژانت لعنتی بس کن ، نه ، نه ، نه ، نه ، اون بالا حالت
چطوره هان ؟ خوش میگذره ، ژانت توروخدا دارم خفه میشم ، خواهش میکنم ، ژانت،
بلندترالتماسم کن، نمیشنوم ، بلندتراصلا این طنابش شل شده بدرد نمیخوره بزار کمی سفت کنم،
ژانت نه ، توروخدا نه ،



می اندازمت همون سنگدونی که بودی، راستی تا یادم نرفته بهت بگم صحرا چندین باره باهات تماس گرفت، منم جواب ندادم اما به زمانش اونم باید چوب حماقت های حیوونی چون توروبخوره! ژانت صبر کن، ژانت صبر کن ، ژانت،

یک ماه پیش : حالا کوروش واقعا باید بری همیشه بمونی
ژانت عزیزم ما که حرفامون زدیم قول میدم به محض اینکه
وضع خوب شد برگردم بهت قول میدم، جون کوروش اخم نکن بهت نمیداد، کوروش من بدون تو
نمیتونم زندگی کنم میفهمی، ژانت تا چشم روهم بزاری برگشتم، برو بسلامت ولی
بدون منتظرت میمونم عشقم ، دوستت دارم، منم دوست دارم اما
دوست داشتن من تا نداره! کوروش ، کوروش ، کوروش ، نرو
تا کی میخوای معطل این پسره بمونی ژانت الان ۳ سال گذشته
نه تلفنی بهت زده نه پیامی داده به خودت توآینه نگاه کردی ،
آخه دخترم مردم برامون حرف درآوردن میگن ببین دختر
محمود خان چه عیبی داره که ازدواج نمیکنه ، مردم غلط کردن بابا جون تورو خدا بس کنید ، بس
کنید ، کوروش برمی

گرده به من قول داده! اون برمیگرده ، الو کوروش این صدمین
پیغامی که بهت میدم تورو خدا جواب بده ، کوروش قرارمون
این نبود بخاطر توسه سال صبر کردم لعنتی جواب بده الووو،

بعد ۲ هفته: سلام ژانت حال داری بریم یه دور بزیم سلام ثمین



آره میام باشه حاضر شو ۵ دقیقه دیگه میام دنبالت باشه ، بیا
سلام بر رفیق شفیق خودم چطوری ، سلام قربونت بد نیستم
ژانت جمع کن این مسخره بازی سه سال خودت علاف این
پسره کردی آخرش هیچی به هیچی، ثمین تویکی دست از سرم
بردار که حوصله ندارم باشه بابا تسلیم، بریم اکباتان یه کافه
تازه باز شده یه قهوه ترک بزنیم، موافقم بریم، عجب جایی
ژانت، آره بدک نیست، ثمین ، ثمین ، هوم چیه ؟ اونجارو
کجارومیگم اونجارونگاه کن اون کوروش نیست با دختره که
کنارش نشسته ، ژانت توهم زدی ؟ کوروش اینجا چی کار میکنه
آخه ، به جون ثمین خودش! وایسا الان میام ، ژانت صبر کن
ژانت، کوروش ؟ کوروش ؟ خودتی ؟ کوروش ، بله بفرمایید



شما؟ حالا بعد ۳ سال من شدم شما بی معرفت نامرد، ببخشید

خانم اشتباه گرفتی کوروش این خانم کیه؟ والا نمیدونم حتما.

اشتباه گرفته! من اشتباه گرفتم، خیلی پست کثیفی کوروش

چطور همه چی یادت رفت ژانتم، لعنتی، خانم برو رده کارت

من نامزد دارم، برو رده کارت! خانم شما با شوهر من چیکار

داری؟ شوهر، چی، چی گفتی، تو، تو، ازدواج کردی، خانم

برو خدا روزیت جای دیگه حواله کنه معلوم نیست کدوم

بی سراپایی که بند کرده برو رده کارت تا زنگ نزدم ۱۱۰

یالا گمشو برو بجنب!

بعد یک هفته: ژانت مطمئنی هستی که میخوای انجام بدی

خطرناکه بخدا، کاوه با من بحث نکن کاری که میگم انجام بده



باشه فقط بخاطر تو، جناب کوروش کبیری، بله خودم هستم

باید با ما تشریف بیارید اداره آگاهی برای چند تا سوال ،

بخشید اتفاقی افتاده؟ میتونم کارت شناسایی ببینم ، اونم به

موقعش میبینی یالا سوارماشین بشو تا یک تیر خلاصت نکردم

بجنب ، شماها کی هستید ؟ ازجون من چی می خواید ، اینقدر

حرف نزن بعدا میفهمی! فعلا لال شو، الووو کارانجام شد باشه

داریم میایم! خب ، خب ، تا اینجاش من میمونم واین آقا

کوروش شماها برید، اما ژانت تو نگفتی میخوای باهاش چیکار

کنی؟ کاوه به تو ربطی نداره دخالت نکن یالا ازاینجا برید زود

باشید، این جا کجاست؟ من برای چی آوردید اینجا؟ شماها

کی هستید؟ این جا همون جهنمی که من گورش کندم شناختی



ژانت تو، تو، باورم همیشه؟ باید باورنکنی؟ هزار برات

توضیح بدم، چی توضیح بدی، آبروی رفته ام، یا مضحک

خاص و عام کدوم، یا جواب ندادن به تلفنم، ژانت اشتباه

میکنی، اجازه بده، خفشو کثافت، خفشو، ژانت دارم خفه

میشم، ژان ژانت، نفسم بالا نمیاد، هه هه این تازه اول بازی

عزیزم بقیه اش مونده، کیپعر، کیپعر، بدو پسر بدو بیا،

خوب لیسش بزن پسر بدو، ژانت نه، خواهش میکنم بگو بره

ژانت سگ نجس، التماس میکنی جذاب میشی عزیزم، کیپعر

کافیه! برای امروز کافیه، راستی کوروش توسیگار میکشی

آره؟ یک زمان برگ میکشیدی میخوای بکشی ببینی چه

حسی داره، سیگاری نیستم، ولم کن، اوه، اوه، خوب نیست



مرد پاستوریزه باشه ! وایسا نشونت بدم، بزار دودش بیارم

جلو صورتت ، آی ، آی ، نه ، نه ، لعنتی سوختم دست بردار

آخه چی شد سوختی ؟ اشکالی نداره، عوضش یادگاری میمونه

واست، راستی کوروش توبا همین دستات اون روز دستای

صحرا گرفتی، آره در صورتی که قول داده بودی فقط مال من

باشی یادت گفتمی دوست داشتنت تا نداره هان یادت گفتمی ،

حرف بزن، لال مونی گرفتی هیچی یادم نیست بخدا یادم نیست

میخواوی چیکار کنی ؟ اون چاقو بزار کنار، تورو خدا بزار کنار

نچ نچ نچ قشنگه نه یادگاری خودت روز تولدم بهم کادو دادی

حالا دو دستات بزار روی میز زود باش، بهت گفتم بزار رو

میز، خیلی خوبه عالی حلقه قشنگی هم انتخاب کردی اما دیگه



آه آه آه آه آه آه نه ، آه نه ، نه ، نه ، چی شد دستت بریدم

چقدربد، عزیزم خونی شدی ،اشکالی نداره ، عوضش یاد

میگیری که دیگه حلقه به دستت نندازی ، کمک ، کمک ،

منو نجات بدید ، کمک ، اینقدر داد نزن ، حنجره ات پاره

میشه ، سپردم، صحرا جونت بیارن اینجا، خواهش میکنم

التماست میکنم ژانت با صحرا کاری نداشته باش خواهش

میکنم تو رو خدا!!!!، صد بار بهت گفتم التماس نکن، نمیفهمی

عوضی، اتفاقا میخوام بیاد اینجا ببینم اون چی داشت که من

نداشتم، خیلی دلت میخواد بدونی بهت میگم حقیقت بهت میگم

ژانت، حالا شدی پسر خوب ، حرف بزن عزیزم! سراپا گوشم

بعد رفتن من پدرت از طریق چند تا آدم های دم کلفت تهدیدم



کردند که اگر به تو زنگ بزنم ، یا جواب پیامات بدم مادرم

وپدرم جلو چشمم میکشن ، بخدا دیدم پدرت خانواده ام گروگان

گرفته بود! من دستم کوتاه بود با اینکه سخت بود واسم قبول

کردم داری دروغ میگی کثافت ، ژانت عین حقیقت راست

میگم ژانت، خفشو میکشمت کوروش، ژانت نفسم بالا نمیاد

داری دروغ میگی بازی جدیدت مگه نه ، میخوای خام بشم

کورخوندی آره، باور کن راست میگم میخوای تمام صداها

زبط شده پدرت ازتوی گوشیم گوش کن تمام تهدیدهارو بخدا

راست میگم، کو این گوشی بی صاحب مونده ات فقط دروغ

گفته باشی، زنده ات نمیزارم کثافت، خوب گوش کن پسره

یک لا قبا بهتره دست از سردخترمن برداری وگرنه خون



پدرمادرت پای خودت، من جنازه دخترم به تو نمیدم چه برسه

باهاش ازدواج کنی، تا یک ماه فرصت داری جوابش ندی

وگرنه بخوای ادامه بدی اول خودت بعد خانوادت میکشم شیر

فهم شد، دروغه ، پدرمن همچین کاری نمیکنه ، خودش اومد

دنبالت همه جا گشتیم ، آره اون میخواستته تو سرکاربزاره بخدا

همش نقشه پدرت بود ژانت ، کثافت میکشمت بخدا میکشمت

ژانت نه ، ژانت ، ژانت ، اه اه اه ، کوروش بلند شو ، هانی

عزیزم بیدارشو، صبح شده ، میخوام بهت بگم دوست دارم

اما تو بگی دوست داشتن تا نداره، هانی عزیزم بلندشو،

کوروش آروم خوابیدی، اشکالی نداره به گمونم پلیس ها با خبر

شدن دارن میان نجاتت بدن اما من میرم ، تو بمون وصحرا



خداحافظ عشق همیشگی من، ایست ، ایست ، دست بزار

بالای سرت تسلیم شو ، ایست ، حماقت نکن خانم ژانت آهنی

ایست، مجبورم شلیک کنم ، دیدار به قی قی قیامت کوروش .

پایان .

نویسنده : پرستو عبدالهیان (مهاجر)